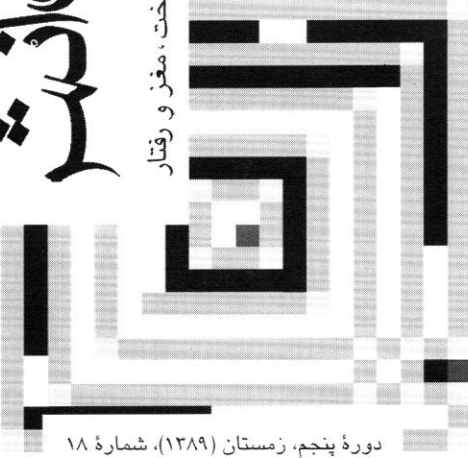


بازتاب

نشریه‌ای درباره شناخت، مغز و رفتار



دوره پنجم، زمستان (۱۳۸۹)، شماره ۱۸

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: محسن ارجمند

سر دبیر: حبیب‌الله قاسم‌زاده

زیر نظر هیئت تحریریه

مسئول اجرایی: الهام اشتاد

طراحی جلد: فاطمه پاشاخانلو

مسئول هنری و صفحه‌آرا: پرستو قدیم‌خانی

بها: ۲۵۰۰ تومان

شمارگان: ۱۱۰۰

چاپ: سامان

دفتر نشریه و مرکز فروش:

تهران، بلوار کشاورز، بین خیابان

کارگر و ۱۶ آذر، پلاک ۲۹۲

تلفن: ۰۲-۸۸۹۷۷۰۰۲-۸۸۹۷۹۵۴۴

Email: baztabedanesh@yahoo.com

هیئت تحریریه

دکتر محمد رضا باطنی

زبان‌شناس

دانشگاه تهران

دکتر خسرو پارسا

جراح مغز و اعصاب

دکتر بیژن جهانگیری

فارماکولوژیست

دانشگاه علوم پزشکی تهران

دکتر احمد جلیلی

روان‌پزشک

دانشگاه علوم پزشکی تهران

حسین حسین‌خانی

نویسنده و ناشر

دکتر محمد رضا زرین دست

فارماکولوژیست

دانشگاه علوم پزشکی تهران

دکتر ونداد شریفی

روان‌پزشک

دانشگاه علوم پزشکی تهران

غلامحسین صدری‌افشار

نویسنده و مترجم

دکتر اصلان ضرابی

روان‌پزشک

دکتر جمال عابدی

روان‌شناس

دانشگاه کالیفرنیا، دیویس

دکتر محمود عبادیان

استاد فلسفه و ادبیات

دانشگاه علامه طباطبائی

دکتر حسن عشایری

روان‌پزشک

دانشگاه علوم پزشکی ایران

دکتر رامین مجتبابی

روان‌شناس و روان‌پزشک

دانشگاه جاز هاپ‌کینز

دکتر آذرخش مکرری

روان‌پزشک

دانشگاه علوم پزشکی تهران

دکتر غلامرضا میرسپاسی

روان‌پزشک

دانشگاه علوم پزشکی تهران

دکتر عبدالرحمن نجل رحیم

نورولوژیست

دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

دکتر تورج نیسنوری

جراح مغز و اعصاب

دکتر رضا نیلی‌پور

زبان‌شناس

دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی

فهرست:

- ۳ سخن سردبیر
حیب‌الله قاسم‌زاده
- ۵ رؤیا، ادبیات و واقعیت (رؤیایی که به کابوس می‌انجامد)
عبدالرحمن نجل رحیم
- ۱۳ سرنوشت "جنگ‌های زبان‌شناسی" بر سر "ساخت‌های نحوی"
رضا نیلی‌پور
- ۲۱ چاقی و بعضی جنبه‌های روانی آن
بیژن جهانگیری
- ۲۷ شبکه‌های هیجانی در مغز
جوئف، ای، لدو - الیزابت، ا. فلیس / ترجمه و تدوین: حیب‌الله قاسم‌زاده
- ۳۸ افسردگی و مدارهای عصبی نظم‌بخشی هیجانی
پریوش وکیلی
- ۴۲ درک پدیده "آها فهمیدم!"
ساشا توبولینسکی و رالف ربر / ترجمه: الهام استاد
- ۴۷ چالش عظیم روان‌شناسی: یک پارچه‌سازی، تعامل بیش‌تر و تفکر جمعی‌تر
آکسل کلیرمنز / ترجمه: شهرزاد دیبائیان
- ۵۲ پرسش و پاسخ
مصاحبه با نوآگودمن، سندر اولسون / ترجمه: اکرم خمسه
- ۵۵ معرفی کتاب: رهایی از: ندان ذهن / ماتیو مک‌کی، کاترین سوتکر

سخن سردبیر

سال‌هایی که گذشته‌اند، صرفاً گذشت زمان نبوده‌اند، جریان‌هایی بوده‌اند که بر ما اثر گذاشته‌اند و هر یک از ما نیز در حدّ توان، ظرفیت، هوشیاری و موقع‌شناسی خود بر آن جریان‌ها اثر گذاشته‌ایم. به یک معنا هیچ حادثه یا رویدادی، فارغ از اثربخشی و اثرپذیری نیست، و هیچ عامل اثرگذاری بدون دخالت عامل اثرپذیری، قابل تعریف و مفهوم‌سازی نیست. تجربه، خود، حاصل چنین فرآیندی است. در طی این فرآیند است که اطلاعات، معنا می‌یابند و مورد بازنمایی قرار می‌گیرند و به قول لوریا جهان ما «مضاعف» می‌شود: جهان بیرون و جهان درون. البته، معلوم نیست که مرز این دو جهان چه‌گونه تعیین می‌شود و آیا اصولاً سخن گفتن از استعاره‌های درون و بیرون، معنایی می‌تواند داشته باشد یا نه. به هر حال، آن‌چه ما می‌بینیم و یا می‌شنویم، اولاً در محدوده «دیدن» و «شنیدن»، رمزپایی می‌شوند؛ و ثانیاً، خود، به عنوان «ملاکی» برای «دیدن»‌ها و «شنیدن»‌های دیگر ما عمل می‌کنند. البته، در این میان باید یک «سنجه»‌ای نیز در کار باشد تا ما بتوانیم «دیده‌ها» و «شنیده‌های» خود را به دیگران منتقل سازیم. چه چیزی این «اشاره یا قرینه» مشترک را به وجود می‌آورد؟ در این‌جا باید به مبانی زیستی اشاره کنیم. به هر حال، ما بر پایه عناصر فیزیکی، شیمیایی و زیست‌شناختی معین و مشخصی شکل گرفته‌ایم. این عناصر، از مشخصات قابل تعریف و قابل بررسی برخوردارند و بنابراین، می‌توان مسأله انتقال اطلاعات، داده‌ها و تجارب را به آن عناصر، چه‌گونه ترکیب آن عناصر و خواص آن عناصر مربوط دانست. اما «اشتراک، هم‌پایی و هم‌سازی» چه‌گونه پدید می‌آید؟ فرض کنیم تشخیص صورت (چهره) مادر در کودک یا بزرگ‌سال

بر اثر فعالیت ناحیه (نواحی) و مدارهای خاصی در مغز اتفاق می‌افتد و این ناحیه (نواحی) و مدارها در همه یکسان‌اند. اما فرد چه‌گونه باید اولاً این تشخیص را اعلان بکند و ثانیاً فرد دیگر چه‌گونه باید از این‌که این تشخیص صورت گرفته، آگاهی یابد و متوجه شود که فرد، نخست چهره مادر را تشخیص داده است و نه چهره پدر و یا چهره شخص دیگر.

به نظر می‌رسد آن‌چه در این میان نقش اساسی ایفا می‌کند، «زبان» باشد. ما به یک واسطه یا میانجی نیازمندیم که این نوع «هم‌یافتی» را به وجود آورد و در عین حال، قابل واریسی، تکرار و بازیابی باشد.

در واقع، نوعی قرارداد ضمنی یا تلویحی شکل می‌گیرد. پشتوانه این قرارداد ضمنی یا تلویحی را واکنش افراد در برابر موقعیت‌ها و محرک‌ها تشکیل می‌دهند - واکنشی که خود، دارای تاریخچه و سابقه ادراکی و هم‌یافتی است. بنابراین، اگر کودکی چهره‌ای را دید و لبخند زد، به معنای تشخیص آن چهره تلقی می‌شود و از این طریق، نوعی تعریف تشخیص فراهم می‌آید که خود، اساس یک قاعده را فراهم می‌سازد: به این معنا که اگر کودکی چهره‌ای را دید و لبخند زد، آن چهره را شناخته است. تا زمانی که این رویداد صرفاً به عنوان رویداد تلقی می‌شود، در واقع، هنوز چیز مشترک قابل تعریفی رخ نداده است، اما از مرحله‌ای که این رویداد یا ارتباط چیزی با چیز دیگر، در سطح رابطه انسان‌ها جایگاهی برای خود اختصاص می‌دهد، به هم‌یافت اشتراکی و همگانی تبدیل می‌شود که برعکس خود رویداد، پدیده‌ای قابل انتقال و تصرف کردنی است. می‌توان گفت که بر اثر این انتقال و تصرف است که «ذهن» پدید می‌آید که